

حتی به فرض محال، ما فرشته‌ها را هم به سویشان بفرستیم و مرده‌ها با آن‌ها به حرف دربیایند و هر چیز دیگری را با آن‌ها روبه‌رو کنیم تا آن چیزها به حقایق تو شهادت دهند، باز هم محال است ایمان بیاورند؛ مگر آنکه خدا به آن‌ها توفیق دهد؛ ولی بیشترشان این را نمی‌دانند. ۱۱۱

این طور، در برابر هر پیامبری دشمنانی از شیاطین انسی و جنی علم کردیم که حرف‌هایی جذاب و فریبنده، بین خودشان ردوبدل کنند. اگر خدای خواست، به زور جلویشان را می‌گرفت تا این کارها را نکنند. پس فعلاً آن‌ها را با خیال بافی‌هایشان، به حال خودشان رها کن ۱۱۲ تا در نتیجه آن ارتباطات شیطانی، دل‌های کسانی که آخرت را باور نمی‌کنند، به همان حرف‌ها متمایل شود و از آن خوششان بیاید و هر بلایی که خواستند، سر خودشان بیاورند!... ۱۱۳

با اینکه خدا قرآن را گویا و شفاف برایتان فرستاده است، آیا جز او را به داوری انتخاب کنم؟! اهل کتاب به خوبی می‌دانند که قرآن حساب شده و هدف‌دار از طرف خدا فرستاده شده است؛ پس برای لحظه‌ای حتی، شک به دلت راه نده! ۱۱۴ پیام خدا، با آمدن اسلام و قرآن و براساس راستی و عدالت، به مرحله شکوفایی رسیده است و چیزی توانایی تغییر دادن پیام‌هایش را ندارد؛ چون اوست شنوای دانا. ۱۱۵

در احکام و معارف دینی، اگر دنبال‌رو بیشتر مردم روی زمین باشی، تو را از راه خدا به در خواهند کرد! زیرا آن‌ها فقط دنبال‌رو بافته‌های ذهنی خودشان هستند و فقط به حدس و گمان تکیه می‌زنند. ۱۱۶ البته خدا بهتر می‌داند وضع و حال آن‌هایی را که از راهش به در شده‌اند یا در راه درست قرار دارند. ۱۱۷ اگر آیه‌های خدا را واقعاً باور دارید، از حیوانات حلال‌گوشتی بخورید که وقت سربریدن، نام خدا بر آن‌ها برده شده است. ۱۱۸

چه تان شده که از حیوانات حلال گوشتی نمی‌خورید که وقت سربردن، نام خدا بر آن‌ها برده شده است؛ در صورتی که خدا شفاف گفته که چه چیزهایی را برایتان حرام کرده است؛^۱ مگر اینکه برای حفظ جانتان، به خوردن چیزهای حرام مجبور شوید. خیلی‌ها خودسرانه و بدون آگاهی، با حلال و حرام کردن چیزها، مردم ساده‌لوح را گمراه می‌کنند. خدا خوب می‌داند وضع و حال آن‌هایی را که از خط‌قرمزهای الهی بگذرند. ۱۱۹

دست از گناهان بکشید؛ خواه ضرر و زشتی‌شان را بدانید، خواه ندانید. کسانی که مرتکب گناه می‌شوند، به سزای غوطه‌ور شدن‌شان در منجلاب بدی‌ها مجازات خواهند شد. ۱۲۰

از حیوانات حلال گوشتی که وقت سربردن، نام خدا را بر آن‌ها نبرده‌اند، نخورید؛ چون این کار انحراف از فرمان خداست. شیطان‌ها، دوستان بی‌دینشان را وسوسه می‌کنند تا درباره خوردن این گوشت‌ها، با شما بگومگو کنند. اگر با آن‌ها هم عقیده و هم عمل شوید، البته که به همان اندازه بی‌دین هستید!^۲ ۱۲۱

کسی را در نظر بگیرید که دل مرده است و با راهنمایی‌هایمان زنده‌اش می‌کنیم و نوری به دستش می‌دهیم تا بین مردم بتواند راه درست را با آن پیدا کند و برود. آیا او مانند کسی است که گرفتار تاریکی‌های اعتقادی و اخلاقی است و بیرون بیا هم نیست؟! کارهای زشتی که بی‌دین‌ها می‌کردند، این‌طور در نظرشان رنگ و لعاب داده شد. ۱۲۲

همچنین، به گناهکارهای سرشناس هر شهر و دیاری امکانات و فرصت کافی می‌دهیم؛ ولی دست‌آخرا این می‌شود که به گول زدن مردم در آن شهرها مشغول می‌شوند؛ اما بی‌آنکه بفهمند، دارند خودشان را گول می‌زنند! ۱۲۳

وقتی آیه‌ای خطاب به آن‌ها بیاید، باریش‌خند و تکبر می‌گویند: «هرگز ایمان نمی‌آوریم؛ تا آنکه همان مقام و امتیازی را به ما بدهند که به پیامبران الهی داده‌اند!» بگو: «خدا بهتر می‌داند که پیامبری‌اش را به چه کسی بدهد.» آن گناهکارهای سرشناسی که مردم را گول می‌زنند، به سزای نقشه‌های شومشان، به همین زودی‌ها در پیشگاه خدا دچار خواری و عذابی سخت می‌شوند. ۱۲۴

۱. خدا در آیه ۱۱۵ سوره نحل (ص ۲۸۰) خوردن برخی غذاها را ممنوع کرده است.

۲. بی‌دینی سه نوع است: ۱. بی‌دینی اعتقادی ۲. بی‌دینی زبانی ۳. بی‌دینی عملی. عمل نکردن به دستورهای دین و سهل‌انگاری در آن‌ها سرآز بی‌دینی عملی در خواهد آورد. خدا در جای جای قرآن، بی‌دینی بعضی مسلمان‌ها را گوشزد کرده است.

در ضمن، مسلمان‌های مقیم یا مسافر در کشورهای غیراسلامی مراقب‌اند که غذای حلال تهیه کنند؛ زیرا می‌دانند که خوراک پاک چه تأثیر عمیقی در سلامت زندگی و سعادت آخرتشان می‌گذارد.

هرکه را خدا لایقِ راهنمایی بداند، ظرفیت درونی اش را برای پذیرش اسلام بیشتر می‌کند و هرکه را بخواهد از سرب‌بی‌لیاقتی اش به حال خود رها کند، ظرفیت درونی اش را برای پذیرش حق آن‌قدر کم می‌کند که انگار می‌خواهد جانش دربیاید! خدا کسانی را که او و آیه‌هایش را باور نمی‌کنند، این‌طور به پلیدی می‌کشانند. ۱۲۵

این است راه و روش تغییرناپذیر خدا. به یقین، آیه‌ها و نشانه‌هایمان را برای مردمی توضیح می‌دهیم که می‌خواهند به خود بیایند. ۱۲۶ به پاس کارهای خوبی که می‌کردند، برایشان پیش خدا سرای آرامش مهیاست و کس و کارشان خداست. ۱۲۷

روز قیامت که خدا همگان را جمع کند، شیطان‌ها را این‌طور سرزنش می‌کند: «خیلی از انسان‌ها را گمراه کردید.» انسان‌هایی که دوست شیطان‌ها بودند، اعتراف می‌کنند: «خدایا، ما به همدیگر فایده‌دو طرفه رساندیم^۲ و گذشت و گذشت، تا به سرانجامی رسیدیم که تو برایمان تعیین کرده بودی.»^۳ خدا هم حکم می‌کند: «آتش جایگاهتان است که آنجا ماندنی هستید؛ مگر آنکه خدا چیز دیگری بخواهد؛ چون خدا کار درست داناست.»^۴ ۱۲۸ بله، سرپرستی بدکارها را به دلیل کارهای ناپسندشان، این‌طور به همدیگر وامی‌گذاریم. ۱۲۹

در قیامت، خدا از آن‌ها می‌پرسد: «ای جماعت جن و انس، مگر پیامبرانی از جنس خودتان برای شما نیامدند که آیه‌هایم را برایتان بخوانند و دیدار امروزتان را به شما هشدار دهند؟!» جواب می‌دهند: «به ضرر خودمان شهادت می‌دهیم که آمدند و هشدار هم دادند.» بله! زندگی دنیا و زرق و برقش فریبشان داد و حالا به ضرر خودشان گواهی می‌دهند که بی‌دین بوده‌اند. ۱۳۰

۱. همان‌طور که پرواز به آسمان، بدون وسایل، ناممکن است، پذیرش حقیقت برای لجاجت‌های بی‌لیاقت هم نشدنی است.

۲. یعنی ما با دنباله‌روی از شیطان‌ها دنبال هوس‌رانی بودیم و شیطان‌ها از گمراه کردن ما لذت می‌بردند.

۳. امروزه هم گروه‌های شیطان‌پرست به صورت‌های گوناگون و در بیشتر کشورهای جهان به فعالیت‌های غیرانسانی و پلید مشغول‌اند و جوانان صاف و ساده را به خودشان جذب می‌کنند و به پوچی و تباهی می‌کشاند.

پیامبران آمده‌اند تا مردم را باخبر کنند. آخر، خدا بنا ندارد شهرهایی را که مردمش از حقایق بی‌خبرند، ظالمانه نابود کند. ۱۳۱

هر آدم و جنّی، متناسب با کارهایش، درجاتی دارد و خدا از کارهایی که می‌کنند، بی‌خبر نیست. ۱۳۲ همچنین، خدا بی‌نیاز مهربان است و به شما بد نمی‌کند؛ ولی اگر ببیند نالایقید، شما را از بین می‌برد و مردم دیگری به جای‌تان می‌آورد؛ همان‌طور که شما را از نسل مردمان گذشته به وجود آورد. ۱۳۳ آنچه به شما وعده داده می‌شود، البته آمدنی است و شما نمی‌توانید حریف خدا شوید. ۱۳۴

بگو: «قوم من! هر کاری از دست‌تان برمی‌آید، بکنید! من هم به وظیفه‌ام عمل می‌کنم. بالاخره خواهید فهمید چه کسی عاقبت به خیر می‌شود! معلوم است که بدکارها خوشبخت نمی‌شوند.» ۱۳۵

بت پرست‌ها از محصولات کشاورزی و دام‌هایی که خود خدا می‌آفریند، مقداری برای خدا کنار می‌گذاشتند و مقداری برای بت‌هایشان! به خیال خودشان می‌گفتند: «این سهم خداست. این هم سهم بت‌هایمان!» سهم بت‌هایشان به خدا نمی‌رسید؛ اما سهم خدا به هر بهانه‌ای به بت‌هایشان می‌رسید! چقدر بد تقسیم‌بندی می‌کنند! ۱۳۶

همچنین، کاهنان بت‌خانه‌ها کشتن فرزندان را در نظر خیلی از بت پرست‌ها، رنگ‌ولعاب می‌دادند تا دست‌آخر آن‌ها را به نابودی بکشانند و همان‌اندک اعتقادشان به دین ابراهیمی را هم هرچه بیشتر با خرافات درهم کنند. اگر خدا می‌خواست، به زور جلوبیشان را می‌گرفت تا این کارها را نکنند؛ ولی فعلاً آن‌ها را با خیال بافی‌هایشان به حال خودشان رها کن. ۱۳۷

بت پرست‌ها به خیال خودشان می‌گفتند: «دست زدن به این دام‌ها و محصولات کشاورزی ممنوع است و جز کسی که ما بخواهیم، یعنی کاهنان بتخانه‌ها، حق استفاده از آن‌ها را ندارد!» چهارپایانی هم داشتند که سوارشدن بر آن‌ها کلاً حرام بود^۱ و نیز چهارپایانی که در سفر حج سوارشان نمی‌شدند! این دروغ‌ها را به خدا می‌بستند. خدا هم سزای این دروغ‌بافی‌هایشان را خواهد داد. ۱۳۸

همچنین می‌گفتند: «خوردن بچه‌های این دام‌ها در صورتی که زنده به دنیا بیایند، مخصوص مردان ماست و بر زنان حرام است؛ اما اگر مرده به دنیا بیایند، همگی می‌توانند از آن استفاده کنند!» خدا سزای دروغ‌بافی‌هایشان را خواهد داد؛ زیرا او کار درست داناست. ۱۳۹

البته کسانی که از روی حماقت و ندانم‌کاری، بچه‌هایشان را می‌کشند و با دروغ بستن به خدا استفاده از برخی چیزهایی را که خدا روزی‌شان کرده، ممنوع می‌کنند، سرمایه‌ عمرشان را بر باد می‌دهند. این افراد گمراه شده‌اند و دیگر هم کسی دستشان را نمی‌گیرد. ۱۴۰

اوست کسی که باغ‌هایی پدید آورد که بعضی نیاز به داریست^۲ دارند و بعضی نه. نخلستان‌ها و کشتزارهایی هم با محصولات گوناگون و درختان زیتون و انار پدید آورد که بعضی در شکل و رنگ و طعم و بو شبیه هم‌اند و بعضی مختلف. وقتی باغ‌ها و مزارع به بار می‌نشینند، از میوه و محصولش استفاده کنید و وقت چیدن، حق نیازمندان را از آن بدهید و زیاده‌روی و ریخت و پاش نکنید که خدا اسراف‌کارها را دوست ندارد! ۱۴۱

اوست که از رده‌ چهارپایان، حیواناتی باربر و گوشتی آفرید. از این نعمت‌هایی که روزی‌تان کرده‌ایم، استفاده کنید و با حرام دانستن آن‌ها، پا جای پای شیطان نگذارید که او دشمن علنی شماست! ۱۴۲

۱. در آیه ۱۰۳ سوره مائده و پاورقی اش (ص ۱۲۴)، نام‌نشانان آمده است.

۲. تکیه‌گاهی برای شاخ و برگ برخی درخت‌ها، مثل موانگور، برای اینکه بتوانند روی پا بایستند و قد بکشند.

منظور از آن چهارپایان چهار جفت حیوان نر و ماده است: یک جفت گوسفند و یک جفت بز... از بت پرست‌ها بپرس: «خدا نرهای آن‌ها را حرام کرده یا ماده‌ها را یا بچه‌هایی را که در شکم ماده‌هاست؟! اگر راست می‌گویید، جواب سؤالم را با دلیل و مدرک بدهید!» ۱۴۳... یک جفت شتر و یک جفت گاو هم هست. باز بپرس: «خدا نرهای آن‌ها را حرام کرده یا ماده‌ها را یا بچه‌هایی را که در شکم ماده‌هاست؟! اصلاً وقتی خدا آن‌ها را حرام می‌کرد، حاضر و شاهد بودید؟! پس چه کسانی بدکارتر از آن‌هایی‌اند که بخواهند با دروغ بستن به خدا مردم ساده لوح را گمراه کنند؟! خدا این‌طور بدکارها را در اهدافشان موفق نمی‌کند. ۱۴۴

بگو: «در بین آیات و احکامی که به من وحی شده، چیزی نمی‌بینم که خوردنش برای مصرف‌کننده‌ها حرام باشد؛ مگر مثل حیوان مرده یا خونی که وقت سربریدن حیوان بیرون می‌ریزد یا گوشت خوک، که این‌ها همه پلیدند، یا حیوانی که وقت سربریدن، از سر نافرمانی، نام غیرخدا بر آن برده‌اند. البته کسی که برای حفظ جانش، آن‌هم با بی‌میلی و به اندازهٔ ضرورت، مجبور به خوردنش شود، گناهی به گردنش نیست؛ زیرا خدا آمرزندهٔ مهربان است.» ۱۴۵

بر یهودی‌ها استفاده از هر حیوان غیرشُم‌چاکی^۱ را حرام کردیم و پیه و چربی گاو و گوسفند را هم بر آن‌ها حرام کردیم؛ به جز چربی‌هایی که بر پشت و پهلوهایشان چسبیده یا مخلوط با استخوان است. این ممنوعیت‌ها را به سزای سرکشی‌هایشان وضع کردیم.^۲ ما در تمام این حرف‌ها راست‌گوییم. ۱۴۶

۱. غیرشُم‌چاک یعنی چهارپا و پرندۀ‌ای که بین انگشتانش شکاف ندارد؛ بلکه مثل اسب و شتر، یک تکه است یا مثل مرغابی و اردک، پرده‌ای نازک بین انگشتانش قرار دارد.

۲. فهرستی از کارهای زشتی که یهودیان انجام می‌دادند، در آیه‌های ۱۵۵ تا ۱۶۰ سورهٔ نساء (ص ۱۰۳) آمده است.

پس اگر تو را دروغگو دانستند، بگو: «خدا لطفی سرشار دارد؛ ولی عذاب سختش درباره گناهکارها ردخور ندارد.» ۱۴۷

البته بت پرست‌ها برای توجیه این قانون تراشی‌هایشان خواهند گفت: «اگر خدا می‌خواست، ما و پدرانمان بت نمی‌پرستیدیم و چیزی را حرام نمی‌کردیم!» آن قبلی‌ها هم پیامبران را این‌طور دروغگو دانستند تا دست‌آخر طعم تلخ عذابمان را چشیدند. اگر خدا تأییدشان می‌کرد که عذابشان نمی‌کرد! بگو: «دلیل معتبری برای ادعاهایتان دارید که برای ما رو کنید؟! آخر، شما فقط دنباله‌رو بافته‌های ذهنی خودتان هستید و فقط به حدس و گمان تکیه می‌زنید.» ۱۴۸

در ادامه بگو: «در عوض، خدا دلیل قانع‌کننده‌ای دارد و آن اینکه اگر می‌خواست، همه‌تان را به زور هم که شده، به راه درست می‌آورد.» ۱۴۹ همچنین بگو: «گواهانتان را بیاورید که شهادت بدهند خدا این‌ها را حرام کرده است!» پس اگر به دروغ شهادت دادند، تو با آن‌ها هم صدا نشو. همچنین، تابع میل این دو گروه نباش: یهودی‌هایی که آیه‌های ما را دروغ می‌دانند و بت پرست‌هایی که آخرت را باور نمی‌کنند و بت‌ها را هم رتبه خدا می‌دانند! ۱۵۰

به همه بگو: «بیایید چیزهایی را که خدا فرمان داده است، برایتان بخوانم: چیزی را به جای او نپرستید. تا می‌توانید در خدمت پدر و مادر باشید.^۲ بچه‌هایتان را از سر فقر و نداری نکشید؛ چون روزی شما و آن‌ها را ما می‌دهیم. دورویر کارهای زشت نگردید، چه آشکار باشد و چه مخفی. آدم بی‌گناهی را که خدا جانش را محترم می‌داند، نکشید؛ مگر اینکه شرعاً حَقِّش باشد. خدا به شما این‌طور سفارش کرده است تا عقلمتان را به کار بیندازید. ۱۵۱

۱. پس همین‌طور که باید با اختیار خودتان ایمان بیاورید، معلوم است که با اختیار خودتان بی‌دینی می‌کنید! خدا دوست دارد که همه به راه درست «بروند»؛ ولی کسی را به اجبار «نمی‌برد» و فقط راهنمایی می‌کند.

۲. دوتلنگر شبیه به هم در این آیه هست. دومی را در پاورقی آیه ۲۳ سوره اسراء (ص ۲۸۴) بخوانید و اولی را در اینجا: در زبان عربی «إحسان» را هم با «إلی» می‌آورند و هم با «بِ». اگر با «إلی» بیاید، یعنی نیکی بی‌واسطه یا با واسطه؛ اما اگر با «بِ» بیاید یعنی فقط نیکی بی‌واسطه و مستقیم! همچنین، «بِ» معنای الصاق و اتصال می‌دهد. بله، خدای مهربان دوست ندارد که پدر و مادر را به خانه سالمندان بفرستیم یا با گرفتن پرستار، محترمانه ترکشان کنیم!

همچنین، به اموال یتیم دست نزنید، مگر برای حفظ و افزایش آن، تا اینکه او به رشد کافی برسد. پیمان‌ه و ترازویان را درست و دقیق کنید. عمل به این سفارش‌ها سخت نیست؛ چون هرکس را فقط به اندازه توانش مسئول می‌دانیم. وقتی نظر خود را می‌گویید، انصاف را رعایت کنید؛ هرچند دربارهٔ نزدیکانتان باشد. دست‌آخر اینکه به دین‌داری‌تان پایبند باشید. خدا به شما این‌طور سفارش کرده است تا به خودتان بیاوید. ۱۵۲ این است راه درست من. پس، از این راه بروید، نه از راه‌های انحرافی که از راه خدا دورتان می‌کند. خدا به شما این‌طور سفارش کرده است تا مراقب رفتارتان شوید.» ۱۵۳

این ده فرمان را به پیامبران گذشته هم رساندیم. بعد، به موسی تورات را دادیم تا نعمت‌هایمان را برای عمل‌کنندگان به این توصیه‌ها کامل کنیم و توضیح بیشتری دربارهٔ تمام مسائل لازم بدهیم و تا مایهٔ راهنمایی و رحمت برایشان باشد. باشد که دیدارِ خدا را باور کنند. ۱۵۴

این قرآن کتابی است پُرخیر و برکت که آن را فرستادیم؛ پس به آن عمل کنید و راه مخالفت با آن را در پیش نگیرید تا لطف خدا شامل حالتان شود. ۱۵۵ بله، قرآن را فرستادیم تا بهانه نیاورید: «کتاب آسمانی فقط برای یهودی‌ها و مسیحی‌ها فرستاده شده بود و ما واقعاً از محتوای کتاب‌هایشان بی‌خبر بودیم!» ۱۵۶

یا نگوئید: «اگر برایمان کتاب آسمانی فرستاده بودند، هدایت یافته‌تر از آن‌ها بودیم!» خب، این هم قرآن! پراز دلیل‌های روشن و راهنمایی و رحمت است و از طرف خدا برایتان آمده. با وجود این، چه کسانی بدکارتر از آن‌هایی‌اند که آیه‌های خدا را دروغ بدانند و از کنارش به راحتی رد شوند؟! کسانی را که به همین راحتی از کنار آیه‌هایمان رد می‌شوند، برای همین بی‌اعتنایی‌شان، گرفتارِ عذابی سخت خواهیم کرد. ۱۵۷

آن‌ها نکند فقط منتظر همین‌اند که فرشتگان عذاب سراغشان بیایند؟! یا خودِ خدا در قیامت؟! یا بعضی از نشانه‌های عذابش؟! روزی که بعضی از نشانه‌های عذابش بیاید، دیگر سودی ندارد ایمان آوردن کسی که قبلاً ایمان نیاورده یا ایمان داشتن کسی که در مدت ایمانش کار خیری نکرده است. به هر حال، بگو:

«منتظر بمانید که ما هم منتظر می‌مانیم!» ۱۵۸

عده‌ای که با دینشان برخورد گزینشی می‌کنند و به گروه‌های مختلف تقسیم می‌شوند، دیگر کاری به کارشان نداشته باش! حسابشان با خداست. آن وقت از کارهایی که می‌کردند، باخبرشان می‌کند. ۱۵۹

آنانی که کار خوب به قیامت بیاورند، ده برابرش نصیبشان می‌شود و آن‌هایی که کار بد به قیامت بیاورند، فقط به همان اندازه مجازات می‌بینند. به هر حال، به هیچ یک از این دو دسته ستم نمی‌شود. ۱۶۰

بگو: «خدا مرا به راه درست زندگی برده است: دینی مستحکم، همان دین ابراهیمِ میانه‌رو. بله، او هرگز بت پرست نبود.» ۱۶۱ بگو: «نماز و عبادت‌هایم و زندگی و مرگم، همه، برای خداست که صاحب اختیار جهانیان است؛ ۱۶۲ درحالی‌که هیچ‌گونه شریکی ندارد. به من دستور داده شده که این‌طور باشم. بله، من سرآمد مسلمانانم.» ۱۶۳ بالاخره بگو: «با آنکه خدا صاحب اختیار همه چیز

است، دنبال خدایی غیر از او باشم؟! هرکه کاری بکند، فقط به عهده خودش است و کسی بار گناه کسی را به دوش نمی‌کشد. دست آخر، به سوی خداست برگشتنتان و او از هر چیزی که سرش اختلاف داشته‌اید، باخبرتان می‌کند.» ۱۶۴

اوست که شما را جان‌نشین نسل‌های گذشته در زمین کرده است و با استعداد‌های مختلف، بر همدیگر برتری‌تان داده تا با چیزهایی امتحانتان کند که در اختیارتان گذاشته است. خدا خلاف کارها را به سرعت مجازات می‌کند و در برخورد با خطاکارها آمرزندهٔ مهربان است. ۱۶۵

سوره اعراف

به نام خدای خوب مهربان

الف، لام، میم، صاد. ۱

قرآن کتاب بزرگی است که به سوی تو فرستاده شده است تا با آن، به عموم مردم هشدار بدهی و مؤمنان را به خود بیاوری؛ پس دلواپس تبلیغش نباش. ۲

دنباله رو قرآنی باشید که از طرف خدا به سویتان فرستاده شده است و به جای او دنبال ارباب‌های دیگر راه نیفتید. حیف که کمتر به خود می‌آیید! ۳

چه شهرهای زیادی را نابود کردیم؛ این طور که در حال خواب شبانه یا وقت استراحت روزانه، عذابمان سراغشان آمد. ۴ وقتی عذابمان سراغشان آمد، حرفی برای گفتن نداشتند، جز آنکه اعتراف کنند: «واقعاً که ما بد کردیم.» ۵

در آخرت، مردمی را که پیامبران به سویشان فرستاده شدند، حتماً بازخواست می‌کنیم و از خود پیامبران هم دربارهٔ مردم حتماً می‌پرسیم. ۶ بعد، با آگاهی کامل، گزارش یک عمر زندگی‌شان را حتماً به خودشان می‌دهیم؛ چون در هیچ صحنه‌ای غایب نبوده‌ایم! ۷

تنها وسیلهٔ سنجش کارها، در آن روز، حق است: آنانی که کارهایشان با ارزش و نزدیک به حق است، خوشبخت‌اند ۸ و آن‌هایی که کارهایشان بی‌ارزش و دور از حق است، سرمایهٔ عمرشان را با نپذیرفتن آیه‌ها و نشانه‌های ما از کف داده‌اند. ۹

در زمین به شما سکونت و اختیار عمل دادیم و در آن وسایل زندگی در اختیارتان گذاشتیم. حیف که کمتر شکر می‌کنید! ۱۰ خمیرمایه‌تان را از گل آفریدیم. بعد، به شما شکل و شمایل دادیم. آن وقت به فرشتگان فرمان دادیم: «در برابر آدم سجده کنید.» همه سجده کردند، جز ابلیس که تن به سجده نداد! ۱۱

فرمود: «وقتی دستور سجده دادم، چه چیز باعث شد که سجده نکنی؟!»
 جواب داد: «من از او بهترم: مرا از آتش آفریده‌ای و او را از گِل!» ۱۲ فرمود: «از این
 مرتبه پایین برو. در حدّ تو نیست که در این مقام تکبر کنی! برو بیرون! تو دیگر
 خوار و بی‌عزتی.» ۱۳

گفت: «تا روزی که مردم دوباره زنده می‌شوند، مهلتم بده.» ۱۴ فرمود: «به
 تو مهلت می‌دهم.» ۱۵ گفت: «حالا که از راه به درم کردی، در راه درست تو در
 کمینشان می‌نشینم. ۱۶ آن وقت، از جلو و عقب و چپ و راست به سروقتشان
 می‌آیم! خواهی دید که بیشترشان شکرگزار نیستند.» ۱۷

خدا اعلام کرد: «از این موقعیت، اخراجی! آن‌هم با خفت و خواری! شک نکن
 که جهنم را پری می‌کنم از تو و همه آن‌هایی که دنبالت راه می‌افتند. ۱۸ و تو ای
 آدم، با همسرت در این باغ ساکن شوید و از هر جا و هر چیزش که دوست دارید،
 استفاده کنید؛ ولی نزدیک این درخت نشوید و از آن نخورید؛ وگرنه بد خواهید
 دید!» ۱۹

شیطان برای اینکه جنبه‌های حیوانی آدم و حواری که برایشان پوشیده بود،
 نشانشان بدهد،^۱ با تظاهر به دلسوزی و سوسه‌شان کرد و گفت: «خدا شما را فقط
 به این انگیزه از این درخت نهی کرد که مبادا با خوردن میوه‌هایش فرشته شوید
 یا در این باغ برای همیشه بمانید!» ۲۰ و جلویشان سفت و سخت قسم خورد که:
 «من خیرخواه شمایم!» ۲۱

بالاخره آن‌ها را با فریب، از مقامشان پایین کشید: همین‌که از میوه آن درخت
 چشیدند، لباس‌های بهستی از تنشان افتاد و اندام جنسی‌شان آشکار شد. آن‌ها
 فوراً مشغول چسباندن برگ درختان باغ به خودشان شدند! خدا هم خطابشان
 کرد: «مگر از نزدیک شدن به آن درخت نهیتمان نکردم و نگفتم که شیطان دشمن
 علنی شماست؟!» ۲۲

۱. این هدف ابتدایی، مقدمه‌ای بود برای هدف اصلی او: بی‌آبرو کردن آدم و حواری و نالایق کردنشان برای رسیدن
 به کمال و نماینده خدا شدن.

آدم و حوّا دست به دعا گفتند: «خدایا، ما به خودمان بد کردیم. اگر ما را نیامرزی و به ما رحم نکنی، حتماً سرمایه عمرمان را می‌بازیم.»^{۲۳}

خدا به آدم و حوّا و شیطان دستور داد: «همگی از این مرتبه پایین بروید؛ درحالی‌که دشمن همدیگر می‌شوید و تا مدتی هم روی زمین زندگی می‌کنید و از نعمت‌های دنیا بهره‌مند می‌شوید.»^{۲۴} و دربارهٔ نسلی که از آدم خواهد آمد، فرمود: «روی زمین به دنیا می‌آیید و همان جا می‌میرید و روز قیامت از آن خارج می‌شوید.»^{۲۵}

فرزندان آدم! به شما لباس دادیم تا اندام جنسی‌تان را بپوشاند و مایهٔ زینت‌تان باشد؛ البته مراقبت از رفتار، بله این مراقبت، لباس بهتری است. همین لباس از نشانه‌های لطف خداست تا مردم به خودشان بیایند.^{۲۶}

آی آدم‌ها، مبادا شیطان گولتان بزند؛ همان‌طور که پدر و مادرتان را گول زد و از آن باغ بیرونشان کرد، آن‌هم با وضعیتی که لباسشان را از تنشان درآورد تا اندام جنسی‌شان را نشانشان بدهد! نکته اینجاست که شیطان و دارودسته‌اش از جایی شما را می‌بینند که شما آن‌ها را نمی‌بینید! البته شیطان‌ها را سرپرست فقط کسانی می‌کنیم که ایمان نمی‌آورند.^{۲۷}

وقتی این افراد کار زشتی می‌کنند، می‌گویند: «دیدیم پدرانمان دنبال آن‌اند. اصلاً خدا به این کارها فرمانمان داده!» هشدارشان بده: «خدا هرگز به کار زشت

فرمان نمی‌دهد. چرا از روی نادانی، چیزی به خدا نسبت می‌دهید؟!»^{۲۸}

بگو: «خدا به رعایت عدالت و اعتدال دستور داده است و به اینکه در هر نمازی، با تمام وجودتان، به خدا توجه کنید و از ته دل صدایش بزنید.» همان‌طور که اول بار آفریدتان، دوباره و در حالی زنده می‌شوید که خدا طبق لیاقت افراد، دست عده‌ای را گرفته است و عده‌ای هم به حال خودشان رها شده‌اند؛ زیرا زیر چتر دوستی شیطان‌ها رفته بودند، نه خدا. تازه خیال هم می‌کردند در راه درست‌اند!^{۲۹} ۳۰

۱. دربارهٔ آفرینش آدم و سجدهٔ فرشتگان، آیه‌های ۳۰ به بعد بقره (ص ۶) و ۱۱۵ به بعد طه (ص ۳۲۰) را هم ببینید.

فرزندان آدم! آراستگی ظاهری و باطنی تان را در هر نماز رعایت کنید. در زندگی بخورید و بنوشید؛ ولی ریخت و پاش نکنید که خدا اسراف کارها را دوست ندارد! ۳۱
 پیرس: «استفاده از زیورها و خوراکی های پاک و پاکیزه ای را که خدا برای بندگانش آفریده، چه کسی ممنوع کرده است؟!» و بگو: «این نعمت ها، در زندگی این دنیا، برای مؤمنان است و دیگران هم استفاده می کنند؛ اما روز قیامت تمام نعمت ها در بست برای مؤمنان است!» برای مردم خوش فهم، آیه های خود را این طور توضیح می دهیم. ۳۲

بگو: «خدا این ها را یقیناً ممنوع کرده است: هر کار زشتی چه آشکار باشد چه مخفی، هرگونه سهل انگاری و سرکشی به ناحق، اینکه چیزی را شریک خدا بدانید که خدا دلیلی بر درستی اش نفرستاده و اینکه حرف هایی به خدا نسبت بدهید از روی نادانی. ۳۳

هر ملتی برای مدتی در دنیا زندگی می کند؛ وقتی دوران شان رو به آخر باشد، هرگز نمی توانند حتی برای لحظه ای آن را عقب و جلو بیندازند. ۳۴

فرزندان آدم! وقتی پیامبرانی از بین خودتان به سوی تان آمدند تا آیه هایم را برایتان بخوانند، از آنان پیروی کنید. آنانی که مراقب رفتارشان باشند و خراب کاری های خودشان را اصلاح کنند، نه ترسی بر آنان غلبه می کند و نه غصه می خورند؛ ۳۵ ولی کسانی که آیه هایمان را دروغ بدانند و در برابرش شاخ و شانه بکشند، جهنمی اند و آنجا ماندنی! ۳۶

بنابراین، چه کسانی بدکارتر از آن هایی اند که به خدا نسبت دروغ می دهند یا آیه هایش را دروغ می دانند؟! این جماعت از نعمت های دنیا به مقداری نصیبشان می شود که برایشان معین است. پس وقتی مأموران ما سر وقتشان می آیند، در لحظات گرفتن جان شان می پرسند: «حالا کجا ایند آن بت هایی که به جای خدا می پرستیدید؟!» جواب می دهند: «از جلوی چشممان گم و گور شدند!» بله، آن ها به ضرر خودشان اعتراف می کنند که بی دین بوده اند! ۳۷

در آن لحظه، خدا دستور می‌دهد: «به گروه‌هایی از جَبَّان و آدمیانِ قبل از خودتان ملحق شوید.» هر بار گروهی داخل آتش می‌شود، گروه دیگر را لعنت می‌کند! وقتی همگی در آنجا جمع شوند، پیروان دربارهٔ پیشوایانشان می‌گویند: «خدایا، این‌ها بودند که گمراهمان کردند. پس آتش عذابشان را دوچندان کن.» می‌فرماید: «هر کدامتان دوچندان عذاب می‌شوید؛ ولی دلیلش را نمی‌دانید!»^۱

۳۸ حال، پیشوایان به پیروانشان می‌گویند: «خون شما که رنگین‌تر از ما نیست تا عذابتان کمتر از ما باشد!» بله، بچشید عذاب را در نتیجهٔ کارهای زشتی که می‌کردید!^{۳۹}

در حقیقت، کسانی که آیه‌های ما را دروغ بدانند و در برابرش شاخ‌وشانه بکشند، درهای آسمان^۲ به رویشان باز نمی‌شود و اگر پشت گوششان را دیدند، بهشت را هم خواهند دید!^۳ گناهکارها را این‌طور به‌سزای اعمالشان می‌رسانیم.

۴۰ زیرا اندازه و رواندازشان آتش جهنم است! بدکارها را این‌طور به‌سزای اعمالشان می‌رسانیم. ۴۱

اما کسانی که ایمان آورده و کارهای خوب کرده‌اند، بهشتی اند و آنجا ماندنی. البته هرکس را فقط به اندازهٔ توانش مسئول می‌دانیم. ۴۲ در آنجا، هر کینه و کدورتی را از دل‌هایشان ریشه‌کن کرده‌ایم. از زیر پایشان جوی‌ها روان است. می‌گویند: «خدا را شکر که ما را به این نعمت‌ها رساند. اگر خدا دستمان را نمی‌گرفت، محال بود به این نعمت‌ها برسیم. وعده‌های فرستاده‌های خدا واقعاً درست از آب درآمد.» بالاخره، ندایی گوششان را نوازش می‌دهد: «این است آن بهشتی که عوض کارهایتان، برایتان به یادگار مانده است!»^{۴۳}

۱. عذاب پیشوایان دوچندان است؛ چون خودشان گمراه شدند و پیروانشان را هم گمراه کردند. عذاب پیروان نیز دوچندان است؛ چون گمراه شدند و به پیشوایانشان هم کمک کردند و سیاهی‌لشکر آن‌ها بودند تا پیشوایان بتوانند اهداف شوم و شیطانی‌شان را اجرا کنند! البته این دوچندان «به تناسب» جرم هر گروه در نظر گرفته می‌شود. آیه‌های ۲۷ به بعد سورهٔ صافات (ص ۴۴۷) و ۵۹ به بعد سورهٔ ص (ص ۴۵۶) را هم ببینید.

۲. منظور از درهای آسمان، راه‌های آسمان غیب است، نه این آسمانی که بالای سر ماست.

۳. در متن آیه «حتی یلج الجمل فی سم الخیاط» آمده به معنای «رد شدن طناب یا شتر از تهِ سوزن» و چون این عبارت کنایه از محال است، ما معادل فارسی امروزی‌اش را در ترجمه آورده‌ایم.

بهشتیان جهنمیان را صدا می‌زنند و می‌پرسند: «ما رسیدیم به آنچه خدا به ما وعده داده بود. شما هم رسیدید به آنچه خدا به شما وعده داده بود؟!» صدای «بله» شان بلند می‌شود. اینجاست که فریادزننده‌ای با صدای بلند در بین دو گروه اعلام می‌کند: «لعنت خدا بر بدکارها!»^{۴۴} همان‌هایی که مانع بندگی خدا می‌شوند و راه مستقیم خدا را کج نشان می‌دهند و آخرت را باور ندارند.^{۴۵}

بین بهشتیان و جهنمیان دیواری است که بر بلندی‌هایش مردان و زنان بزرگی^۲ هستند که همه را از حال و روزشان می‌شناسند. آنان به بهشتیانی که هنوز واردش نشده‌اند، ولی دل توی دلشان نیست که زودتر وارد شوند، مژده می‌دهند: «نگران نباشید. به سلامت داخل بهشت می‌شوید.»^{۴۶}

وقتی چشم بهشتیان منتظر به جهنمی‌ها می‌افتد، می‌گویند: «خدایا، ما را همنشین این بدکارها نکن!»^{۴۷}

بعد، آن انسان‌های بزرگ که جهنمیان را با مشخصات کامل می‌شناسند، صدایشان می‌زند و سرزنش می‌کنند: «دیدید ثروت اندوزی و شاخ و شانه کشیدن‌های همیشگی‌تان، دردی از شما دوا نکرد؟! ۴۸ این بهشتی‌های منتظر آیا همان‌هایی نیستند که قسم می‌خوردید لطف خدا هرگز شامل حالشان نمی‌شود؟!» و بعد، رو به بهشتی‌ها: «پا به بهشت بگذارید که دیگر نه ترسی بر شما غلبه می‌کند و نه غصه می‌خورید.»^{۴۹}

جهنمی‌ها بهشتیان را با التماس صدا می‌زنند: «از آب یا نعمت‌هایی که خدا روزی‌تان کرده است، کمی هم به ما بدهید!» جواب می‌شنوند: «خدا این نعمت‌ها را بر بی‌دین‌ها ممنوع کرده!»^{۵۰} همان‌هایی که بازی و سرگرمی را دین و هدف خود قرار داده بودند و زندگی دنیا و زرق و برقش گولشان زده بود. امروز فراموششان می‌کنیم؛ همان‌طور که آن‌ها دیدار امروزشان را به باد فراموشی سپرده بودند و آیه‌های ما را انکار می‌کردند.^{۵۱}

۱. در روایات آمده است که این فریادزننده امیرالمؤمنین علی علیه السلام است.

۲. حضرت محمد و آل طاهرینش علیهم السلام برترین افراد این گروه‌اند.

بله، برایشان کتابی آوردیم و با آگاهی کامل توضیحش دادیم تا مایهٔ راهنمایی همه باشد و لطفی برای مؤمنان. ۵۲

انکارکننده‌ها نکند فقط منتظر وعده و وعید قرآن‌اند؟! روزی که وعده و وعیدش فرا برسد، کسانی که قبلاً آن را به باد فراموشی سپرده بودند، با افسوس می‌گویند: «وعده‌های فرستاده‌های خدا واقعاً درست از آب درآمد. حالا، شفاعت‌کننده‌هایی پیدا می‌شوند تا برایمان پادرمیانی کنند؟ یا ممکن است که به دنیا برمان گردانند و کارهای گذشته‌مان را جبران کنیم؟» نه! چون که سرمایهٔ عمرشان را از کف داده‌اند و بت‌های ساختگی‌شان هم از جلوی چشم آن‌ها غیبشان زده است! ۵۳

در واقع، صاحب‌اختیاران خدایی است که آسمان‌ها و زمین را و آنچه میان آن‌هاست، در طول شش مرحله آفرید. آن وقت، بر مقام فرمانروایی جهان تکیه زد. او شب و روز را در طول سال کم‌کم بلند و کوتاه می‌کند.^۱ خدا به دستورش، خورشید و ماه و ستارگان را در خدمتتان آفریده است. بدانید آفرینش و ادارهٔ عالم، همه، دست اوست. چه پربرکت است خدایی که صاحب جهانیان است! ۵۴

خدا را نالان و نهان صدا بزنید، ولی زیاده‌روی نکنید؛^۲ زیرا او اهل زیاده‌روی را دوست ندارد. ۵۵ بعد از برقراری امنیت و آرامش، در جامعه هرج و مرج راه نیندازید و خدا را با بیم و امید صدا بزنید تا درستکار شوید؛ چون سایهٔ لطف خدا بر سر درستکاران همیشه گسترده است. ۵۶

او خدایی است که بادها را می‌فرستد تا مژده‌رسان باران رحمتش باشند. پس وقتی ابرهای بارور را حمل کنند، به طرف سرزمین‌های مرده سوقشان می‌دهیم و آن وقت از آن‌ها برف و باران می‌فرستیم تا به برکتش انواع محصولات کشاورزی را پرورش دهیم: مردگان را هم همین‌طور از قبرها بیرون می‌آوریم! این مثال‌ها را می‌آوریم تا به خودتان بیابید! ۵۷

۱. هر قدر از خط استوا دورتر و به قطب شمال و جنوب نزدیک‌تر شویم، بلند و کوتاه شدن شب‌ها و روزهای سال بیشتر به چشم می‌آید. در ایران هم این پدیدهٔ شگفت‌انگیز هر سال تکرار می‌شود.

۲. منظور از زیاده‌روی این‌هاست: خواسته‌های بیجا و غیرمعقول، داد و فریاد زدن، رعایت نکردن آداب دعا، طول دادن دعا بیشتر از حال و حوصله، ریاکاری در دعا و اصلاً دعا نکردن از روی غرور یا ناامیدی.

زمین حاصلخیز، با اجازه خدا، گل و گیاهش می‌روید؛ ولی از زمینِ شوره‌زار و نامرغوب، جز مشته گیاه بی‌فایده، چیز دیگری نمی‌روید. از دل پاک و ناپاک هم همین‌طور! بله، آیه‌هایمان را این‌طور به صورت‌های گوناگون برای شکرگزاران بیان می‌کنیم. ۵۸

نوح را برای هدایت قومش فرستادیم.^۱ او گفت: «مردم! فقط خدا را پرستید که معبودی جز او ندارید. من می‌ترسم گرفتار عذابِ روزی هولناک شوید!» ۵۹

در جواب دعوتش، خواص جامعه گفتند: «از نظر ما، واقعاً که غرق گمراهی هستی.» ۶۰ نوح گفت: «مردم! در وجود من هیچ انحرافی نیست؛ بلکه فرستاده‌ای هستم از طرف صاحب‌اختیار جهانیان ۶۱ که پیام‌هایش را با جدیت به شما می‌رسانم و خیرخواهتان هستم و چیزهایی می‌دانم که شما نمی‌دانید. ۶۲ نکند تعجب کرده‌اید که تذکرات خدا به زبان آدمی مثل خودتان برایتان بازگو می‌شود؟ آن هم برای اینکه درباره کارهایتان به شما هشدار دهد و هم مراقب رفتارتان باشید و هم لطف خدا شامل حالتان شود.» ۶۳ دست‌آخر به دروغگویی متهمش کردند. ما هم او و کسانی را نجات دادیم که در آن کشتی عظیم همراهش بودند و کسانی را غرق کردیم که آیه‌هایمان را دروغ دانستند؛ چون مردمی بی‌بصیرت بودند. ۶۴ برای هدایت قوم عاد هم همشهری‌شان هود را فرستادیم. او گفت: «مردم! فقط خدا را پرستید که معبودی جز او ندارید. پس چرا مراقب رفتارتان نیستید؟!» ۶۵

خواص بی‌دین جامعه در جواب دعوتش گفتند: «از نظر ما، واقعاً که غرق حماقت و نادانی هستی و یقین داریم که تو دروغگویی.» ۶۶ هود با ادب و آرامش گفت: «مردم! من دچار هیچ‌گونه حماقتی نیستم؛ بلکه فرستاده‌ای هستم از طرف صاحب‌اختیار جهانیان ۶۷

۱. خدای دانا پس از گفتن مسائل اساسی و کلی درباره خداشناسی، معاد، هدایت بشر، احساس مسئولیت و... به داستان برخی پیامبران بزرگ مانند نوح، هود، صالح، لوط، شعیب و موسی (علیهم‌السلام) اشاره می‌کند تا نمونه‌های زنده این بحث‌ها را در لابه‌لای تاریخ پُرماجرا و عبرت‌انگیز زندگی‌شان نشان دهد.

که پیام‌هایش را با جدّیت به شما می‌رسانم و برایتان خیرخواهی قابل‌اعتمادم. ۶۸ نکنند تعجب کرده‌اید که تذکرهاى خدا به زبان آدمی مثل خودتان برایتان بازگو می‌شود؟ آن‌هم برای اینکه درباره‌ی کارهایتان به شما هشدار دهد. یادتان باشد که بعد از هلاکتِ قوم نوح، خدا شما را جانشین آن‌ها کرد و به شما بدن‌هایی ننومند و نیرومند داد! پس به یاد نعمت‌های خدا باشید تا خوشبخت شوید.» ۶۹ قوم هود با گستاخی گفتند: «آیا سراغمان آمده‌ای که فقط خدا را بندگی کنیم و بت‌هایی را که پدرانمان می‌پرستیدند، رها کنیم؟! اگر راست می‌گویی، آن عذابی که ما را از آن می‌ترسانی، به سرمان بیاور!» ۷۰

اینجا بود که هود آخرین حرفش را زد: «دیگر قهر و غضبِ خدا بر شما حتمی شد! آیا با من بر سر بت‌های بی‌جانی جار و جنجال می‌کنید که شما و پدرانتان به دروغ نام خدایان رویشان گذاشته‌اید و خدا هم دلیلی بر درستی حرفتان نفرستاده است؟! از این به بعد، منتظر عذاب باشید. من هم در کنارتان منتظر می‌مانم!» ۷۱

دست‌آخر، هود و همراهانش را از سرِ لطفمان نجات دادیم و ریشه‌ی کسانی را کندیم که آیه‌هایمان را دروغ می‌دانستند و آن‌ها را باور نکردند! ۷۲

برای هدایتِ قوم ثمود هم همشهری‌شان صالح را فرستادیم. او گفت: «مردم! فقط خدا را بپرستید که معبودی جز او ندارد. الان، برایتان از طرف خدا معجزه‌ای آمده است: این ماده شتر که معجزه‌ی خداست، نشانه‌ی راستگویی من است. رهایش کنید تا در زمین خدا بچرد. آزاری به او نرسانید تا مبادا عذابی زجرآور دامن‌گیرتان شود!» ۷۳

یادتان بماند که بعد از هلاکت قوم عاد، خدا شما را جانشین آن‌ها کرد و در سرزمینی مناسب جایتان داد که حالا در دشت‌هایش ساختمان‌های بلند و باشکوه می‌سازید و در کوه‌هایش خانه می‌تراشید. پس به یاد نعمت‌های خدا باشید و با خیره‌سری، در جامعه خراب‌کاری نکنید.» ۷۴

ولی خواص متکبر جامعه به مستضعفانی که ایمان آورده بودند، گفتند: «شما مطمئنید که صالح واقعاً از طرف خدا فرستاده شده؟!» آن مستضعفان گفتند: «البته که ما به چیزهایی که صالح مأمور رساندن آن است، ایمان داریم.» ۷۵
اما آن خواص مغرور در ادامه گفتند: «ولی ما عقایدی را که شما باور کرده‌اید، اصلاً قبول نداریم.» ۷۶

بالاخره، شتر صالح را کشتند و متکبرانه از فرمان خدا سرپیچی کردند و گفتند: «صالح، اگر تو واقعاً جزو پیامبرانی، آن عذابی که ما از آن می‌ترسانی، به سرمان بیاور!» ۷۷

سرانجام، زلزله ویرانگری در برشان گرفت و آن وقت زیر آوار خانه‌هایشان به زنان درآمدند. ۷۸ در نهایت، صالح ترکشان کرد. وقت عزیمت، رو به اجسادشان گفت: «پیام خدا را کامل به شما رساندم و به اندازه کافی خیرخواهتان بودم؛ ولی روی خوش به خیرخواهی مثل من نشان ندادید!» ۷۹

لوط را هم برای هدایت قومش فرستادیم. به آن‌ها هشدار داد: «آیا مرتکب آن کار بسیار زشتی می‌شوید که تابه حال کسی از مردم دنیا انجامش نداده است؟! ۸۰ شما، برای ارضای شهوت، به جای زن‌ها سراغ مردها می‌روید! اصلاً شما جماعتی شهوت‌ران هستید!» ۸۱

قومش جوابی برای گفتن نداشتند؛ برای همین یک صدا شدند: «لوط و خانواده‌اش را از شهرتان بیرون کنید؛ چون که آن‌ها جماعتی خشکه مقدس اند!» ۸۲ پس لوط و خانواده‌اش را نجات دادیم، جز زنش را که با جامانده‌ها گرفتار عذاب شد! ۸۳ بقیهٔ مردم شهر را هم با گل‌هایی سفت، سنگ باران کردیم. پس ببین آخر عاقبت گناهکارها چه شد! ۸۴

برای هدایت مردم شهر مدین^۱ هم همشهری‌شان شعیب را فرستادیم. او گفت: «مردم! فقط خدا را پرستید که معبودی جز او ندارید. در ضمن، برایتان از طرف خدا، معجزه‌ای بر پیامبری من آمده است؛^۲ پس پیمان‌ه و ترازویتان را درست و دقیق کنید و از حق مردم چیزی کم نگذارید و بعد از برقراری امنیت و آرامش، در جامعه هرج و مرج راه نیندازید. عمل به این دستورها به نفعتان است، اگر باور داشته باشید! ۸۵

سر راه مؤمنان ننشینید که با زور و تهدید، مانعشان از بندگی خدا شوید و با شبهه‌پراکنی، راه مستقیم خدا را کج نشان دهید. به یاد آورید که ضعیف و کم جمعیت بودید؛ آن وقت، خدا قوی و پُر جمعیتان کرد. خوب بررسی کنید و ببین آخر عاقبت خراب‌کارها چه شد! ۸۶

اگر گروهی از شما چیزهایی را که من به آوردنش مأمور شده‌ام، باور کرده‌اند و گروهی باور نکرده‌اند، پس صبر کنید و با همدیگر مسالمت‌آمیز زندگی کنید^۳ تا خدا بینمان داوری کند که او بهترین داورهاست.» ۸۷

۱. مدین شهری در مناطق مرزی اردن و عربستان سعودی بود و مردمی تجارت‌پیشه و مرفه داشت. در میانشان بت‌پرستی رایج بود و همین‌طور گران‌فروشی و کم‌فروشی و تقلب در معامله.

۲. معجزهٔ حضرت شعیب علیه السلام در قرآن نیامده است و در روایات هم مطلب روشنی در این باره نیست.

۳. مسلمانان در عین عمل به وظایف فردی و اجتماعی خود، باید خویشان‌دار باشند و آستانهٔ تحملشان را بالا ببرند. قرار که نیست همهٔ مردم دنیا یک‌شبه عوض شوند! تجربه هم نشان داده است که بردباری در برابر باورها و رفتارهای مخالفان، پیامدهای مثبت دارد و برخوردهای چگشی و احساسی، برعکس.